

### نزول قرآن در پرتو آراء سیوطی و علامه معرفت

روح الله زاهری، زهرا زاهری

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث از دانشگاه اهواز و عضونخبان اهواز  
مدرس معارف دانشگاه ایلام

#### چکیده

نزول قرآن در شب قدر ماه رمضان بی شک رحمتی بس عظیم از جانب خداوند متعال می باشد که این هدیه الهی توسط خاتم النبیین حضرت محمد (ص) بر عالم بشریت فرو فرستاده شد. حال با وجود نزول تدریجی قرآن کریم در مدت رسالت پیامبر اکرم (ص) در مقابل آیاتی از قرآن کریم دلالت بر این دارند که کل قرآن در شب قدر و به صورت یک مرتبه نازل شده است. این خود باعث اختلافاتی در مورد چگونگی نزول قرآن کریم گردیده است؛ لذا هریک از دانشمندان اسلامی که در این مورد بحث کرده اند برای پاسخ به این سوال که «چرا با وجود اینکه قرآن در طی سالها و بتدریج نازل شده، خداوند متعال در آیاتی از قرآن نزول آن را منحصر به شب قدر نموده است؟» نظرات خاص خود را ارائه داده و توجیه نموده اند. در این مقاله تلاش شده است مطالب به روش کتابخانه ای و با استفاده از نرم افزارهای مختلف با تکیه به روش کیفی جمع آوری و با بررسی این موضوع و آوردن آراء دانشمندان صاحب‌نظر در این زمینه؛ بیشتر کنکاش و تحلیل حول نظرات و آراء دو دانشمند محقق یعنی جلال الدین سیوطی از علمای اهل سنت و علامه معرفت از علمای شیعه صورت گیرد و با محوریت قرار دادن گفتار این دو محقق بزرگ جهان اسلام در پایان گفتار نتیجه ای مطلوب و قابل پذیرش حاصل گردد.

کلیدواژه ها: قرآن کریم، آغاز، نزول، شب قدر، ماه رمضان.

#### مقدمه

قرآن کریم بعنوان آخرین کتاب آسمانی فرستاده شده برای هدایت جهانیان معجزه ای جاوید در تمام ادواتاریخ می باشد که بعلت شأن و عظمت آن همواره مورد توجه دانشمندان اسلامی بوده است. هریک از دانشمندان علوم اسلامی نیز به فراخور وضعیت و شرایط خاص خود به بررسی و تحلیل و تفسیر جنبه یا جنبه هایی خاص و البته محدود از این کتاب عظیم پرداخته اند. در مورد آغاز نزول قرآن کریم که یکی از موضوعات مورد بحث محققان علوم اسلامی بوده است نیز آراء گوناگون و متنوعی وجود دارد که بعضی از این آراء قابل پذیرش و بعضی نیز غیر قابل پذیرش برای متخصصین فن می باشند. بررسی آراء و نظرات دانشمندان اسلامی و مقایسه ی نظرات آنها با یکدیگر، هنگامی که با تأمل و تعمق کافی پژوهشگر همراه باشد معمولاً افق ها و دریچه های جدید و تازه فراروی محققان علوم اسلامی می گشاید و باعث حاصل شدن نتایج جدید و جالبی در خلال این تعمق ها و تحلیل ها می گردد. ناگفته نماند که برای تحصیل نتیجه ی مطلوب باید به سراغ متخصصان آن فن و موضوع رفت که در این نوشتار نیز سعی شده است در حد توان به موضوع چگونگی نزول قرآن کریم و آغاز نزول این کتاب شریف از دو دیدگاه متفاوت پرداخته و مقایسه ای اجمالی از آراء ایشان در زمینه ی آغاز نزول صورت گیرد. ضمن اینکه از نظرات و دیدگاههای دانشمندان موافق و مخالف با نظرات هریک از این دو دانشمند نیز استفاده شده است.

#### آیات آغاز نزول

نزول قرآن در شب قدر ماه رمضان: «انا انزلناه فی لیلة القدر...» (قدر/۱) و «انا انزلناه فی لیلة المبارکه...» (دخان/۴-۳) و «شهر رمضان الذی أنزل فیہ القرآن...» (بقره/۱۸۵).

این آیات مبارکه به خوبی می رسانند که اولاً قرآن کریم در شب قدر نازل شده و ثانیاً شب قدر هم در ماه رمضان واقع است بنابراین قرآن کریم در ماه رمضان و در شب نازل گردیده است. آنچه از ظاهر این آیات سه گانه برمی آید نزول قرآن بصورت یکباره و دفعی در شب قدر ماه رمضان است ولی بحث از آنجا آغاز می گردد که در کنار این آیات شریفه، آیاتی دیگر از قرآن کریم و همچنین واقعیات قطعی تاریخ نزول قرآن بیانگر این است که قرآن کریم به تدریج و در طی سالهای رسالت پیامبر اکرم (ص) و بطور پراکنده نازل شده است.

سید مرتضی علم الهدی در اثبات اینکه قرآن بصورت تدریجی نازل شده است و در رد نزول یکباره و دفعی قرآن کریم به آیه ۳۲ سوره فرقان اشاره می کند: «و قال الذین کفروا لو لا نزل علیه القرآن جملة واحدة: و کسانی که کافر شدند گفتند چرا قرآن بر او یکجا نازل نشد» (

فرقان/۳۲) و در ادامه می‌گوید که در صورتی که اگر قرآن یکجا نازل شده بود، در پاسخ آنان گفته می‌شد: به همین شیوه مورد درخواست شما نازل گردیده است و این گونه جواب نمی‌فرمود که: «**کذلک لثبث به فؤادک ورتلنه ترتیلا:** این گونه "ما آن را به تدریج فرو فرستادیم" تا قلبت را به وسیله ی آن استوار گردانیم، و آن را "برتو" خواندیم» (فرقان/۳۲).

«تمام مفسران آن را بدین سان تفسیر کرده اند که: یعنی ما آن را به طور بخش بخش نازل کردیم تا با تأنی به گوش‌ها رسد و به تدریج دریافت گردد. ترتیل نیز، ورود شیئی در پی شیئی دیگر است. از سوی دیگر، بازگرداندن مفهوم آیه به: علم به قرآن نیز، صحیح نیست، چرا که خلاف ظاهر است و آنان نیز نگفتند: «چرا ما علم به نزول یکجای قرآن نداریم»، بلکه گفتند «چرا قرآن یکجا بر او نازل نشد؟» و اگر اینچنین "یکجا" نازل شده بود پاسخشان این بود که گفته شود: آن چه را مطالبه نمودید، واقع شده است، و برای نازل کردن آن به صورت جدا جدا، به تعلیل یاد شده در ادامه آیه استدلال نمی‌گردید» (معرفت، ۱۳۷۵، ج: ۱، ۱۷۲-۱۷۱). علامه معرفت ضمن آوردن گفتار سیدمرتضی علم الهدی در رد نظر شیخ صدوق مبنی بر نزول یکباره ی قرآن در موافقت با سید مرتضی علم الهدی همراهی نموده است.

### نقد و بررسی چند سوال

از نظرات و آراء علامه معرفت که در کتابهایش (مانند علوم قرآنی؛ تاریخ قرآن و تمهید) آمده است برمی‌آید که از نظر آیت الله معرفت و گروهی دیگر از دانشمندان، سال ۶۰۹ میلادی، ۱۳ سال قبل از هجرت، ۲۷ ماه رجب آغاز وحی رسالی (مبعث) بوده است و نه آغاز نزول قرآن و ایشان معتقدند که هر چند در ۲۷ رجب سال ۶۰۹ میلادی پیامبر اکرم (ص) به پیامبری مبعوث گردید و همزمان با بعثت ایشان ۱۵ آیه ی اول سوره مبارکه علق نازل گردید اما چونکه بعد از نزول این ۱۵ آیه دیگر تا مدت ۳ سال بعد از آن هیچ آیه ای نازل نشده و میان ۱۵ آیه اولیه و آیات دیگر که بطور مستمر و مداوم نازل شدند فترت و فاصله ۳ ساله رخ داده است.

بنابراین، این ۱۵ آیه اولیه عنوان قرآن نداشته اند. در ضمن مرحوم معرفت در جاهای دیگری نظرات دانشمندانی را نیز آورده و ظاهراً با آن نظرات هم موافقت نموده است از جمله اینکه معتقد است که پیامبر اکرم (ص) حداقل از زمان بعثتش به بعد نماز می‌خوانده و هیچ نمازی هم در اسلام بدون سوره ی مبارکه ی «حمد» ثبت نشده است. و این مطلب بیانگر این است که در این مدت فترت و قبل از نزول آیات پیوسته ی دیگر سوره ی «حمد» نازل شده است، حال باید پرسید چگونه مرحوم معرفت بیان داشته که آیات اولیه سوره مبارکه «علق» عنوان قرآن نداشته است؟ آیا سوره مبارکه «حمد» نیز که ظاهراً بر اساس نظر خود ایشان قبل از پیوستگی آیات دیگر نازل شده است هم عنوان قرآن نداشته است؟ یعنی یک سوره ی هفت آیه ای و پنج آیه ی ابتدایی یک سوره عنوان قرآن نداشته اند؟ مرحوم معرفت هم صدا با دانشمندانی دیگر در کتاب «تاریخ قرآن» خود در صفحه ۳۳ آورده است که: «آغاز وحی رسالی (بعثت) در بیست و هفتم ماه رجب، سیزده سال پیش از هجرت (سال ششصد و نه میلادی) بود، ولی نزول قرآن به عنوان کتاب آسمانی، سه سال تأخیر داشت. این سه سال را به نام «فترت» می‌خواندند. پیغمبر (ص) در این مدت دعوت خود را سری انجام می‌داد تا آیه ی «فاصدع بما تؤمر» (حجر/۹۴) نازل شد و دستور اعلان دعوت را دریافت کرد.

از این گفتار علامه معرفت سوال دیگری پیش می‌آید و آن اینکه این آیه ی مبارکه اگر اولین آیه ای بوده که بعد از فترت و فاصله سه ساله نازل گردیده چرا در سوره ی مبارکه «حجر» آیه ی ۹۴ قرار دارد در صورتیکه قبل از سوره ی حجر سوره های فراوان دیگری وجود دارد. و بنا بر نظرات دانشمندان و همچنین خود علامه معرفت در جلد یک تمهید ص ۱۸۹، در روایتی که از ابن عباس آورده، سوره حجر پنجاه و چهارمین سوره ی نازل شده بر پیامبر (ص) از لحاظ ترتیب نزول می‌باشد؟ و آیا این آیه در قرآن نوشته نشد تا اینکه بعد از نزول سوره ی ۵۴ و در آیه ی نود و چهار آن سوره قرار داده شد؟

«مرحوم معرفت در مورد اولین آیه و سوره ی قرآن سه نظر آورده و گفته است که:

۱- گروهی معتقدند که اولین آیات سه یا پنج آیه ی اول از سوره علق بوده که مقارن بعثت پیامبر (ص) نازل شده است ...

۲- گروهی نخستین سوره نازل شده را سوره مدثر می‌دانند ...

۳- گروهی اولین سوره ی نازل شده را سوره ی فاتحه می‌دانند «معرفت، ۱۳۷۵، ۴۵-۴۴».

۴- سیوطی هم نظر چهارمی آورده و آن این است که بعضی «بسم الله الرحمن الرحیم» را به عنوان اولین آیه ی نازل شده می‌دانند. البته نظر سیوطی دیدگاه اول یعنی آیات ۵ گانه سوره علق را برای آغاز نزول صحیح می‌داند «سیوطی، ۱۳۸۹، ج: ۱، ۹۸».

علامه معرفت در جمع میان این سه نظر گفته است که:

میان این سه نظر را می‌توان به گونه ای جمع کرد، زیرا نزول سه یا پنج آیه از اول سوره ی علق بطور قطع با آغاز بعثت مقارن بوده است و این مسأله مورد اتفاق است. سپس چند آیه از ابتدای سوره ی مدثر نازل شده است، ولی اولین سوره کامل که بر پیغمبر (ص) نازل گردید ه سوره حمد است و چند آیه از سوره ی علق و یا سوره ی مدثر در آغاز عنوان سوره نداشته و با نزول بقیه ی آیه های سوره این عنوان را یافته است؛ لذا اشکالی ندارد که بگوییم اولین سوره، سوره حمد است و به نام فاتحه الکتاب خوانده می‌شود. و جوب خوانده شدن این سوره در نماز اهمیت آنرا

می رساند ، به طوریکه آنرا سزاوار عدل و همتای قرآن شدن ، می کند . « و لقد اتیناک سبعا من المثانی و القرآن العظیم : ما به تو حمد و قرآن عظیم دادیم » ( حجر/ ۸۷) .

سوره ای که به نام « سبعا من المثانی » خوانده می شود بنا برنقلی سوره ی حمد است که مشتمل بر هفت آیه است . پس اگر ترتیب نزول سوره ها را از نظر ابتدای سوره ها در نظر بگیریم ، اولین سوره علق و پنجمین سوره حمد است . چنانکه در ترتیب نزول سوره ها آورده ایم و اگر سوره کامل را ملاک بدانیم ، اولین سوره کامل سوره حمد است .

باید پرسید که چطور ممکن است که بنابر سخنان خود ایشان که گفته : اگر ترتیب نزول سوره ها را از نظر ابتدای آنها در نظر بگیریم اولین سوره علق و اگر سوره کامل را ملاک بدانیم سوره حمد است . پس چطور ۵ آیه ی سوره ی علق که از نظر ابتدای سوره ، اول نازل شده است عنوان قرآن نداشته و چطور نخستین سوره کامل یعنی سوره حمد تا موقع نزول پیوسته قرآن ، عنوان قرآن نداشته؟!

### بررسی دیدگاههای مختلف زمان نزول قرآن از نظر علامه معرفت

علامه معرفت در مورد نظرات مختلفی که در مورد چگونگی نزول قرآن در شب قدر ماه رمضان آمده بررسی هایی انجام داده و نظرات آنان را به پنج دیدگاه کلی که در ذیل بیان می شود تقسیم بندی نموده است :

طرفداران این نظر که :

۱- آغاز نزول قرآن در شب قدر ماه رمضان بود .

۲- در شب قدر هر سال ، آن مقدار از قرآن که مردم در آن سال نیازمند بودند ، بر پیامبر (ص) نازل می شد . آن گاه جبرئیل به فراخور مورد نیاز و به فرمان خدای تعالی ، آن را به تدریج فرود می آورد ، پس مقصود از ماه رمضان ، نوع آن است و نه رضانی خاص .

۳- مراد این است که در شأن ماه رمضان ، قرآن نازل شده ، یعنی در وجوب روزه ی آن .

۴- بیشتر قرآن در ماه های رمضان نازل شده و بدین جهت ، نسبت دادن همه ی آن به ماه رمضان صحیح است .

۵- قرآن به صورت یکجا در یک شب (شب قدر) ، به بیت العزه یا بیت المعمور فرود آمده سپس در زمان ها و مناسبت هایی در طول بیست یا بیست و سه سال بر رسول خدا(ص) نازل گردید(معرفت ، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۶۵-۱۶۲) .

### بررسی دیدگاههای مختلف زمان نزول قرآن از نظر جلال الدین سیوطی

جلال الدین سیوطی که نظراتش در مورد آغاز نزول قرآن با نظر علامه معرفت متفاوت است بدون آوردن همه ی نظرات ارائه شده فقط به ذکر سه قول بسنده کرده است و گفته است در چگونگی نزول قرآن از لوح محفوظ به سه قول اختلاف شده است :

قول اول : که صحیح تر و مشهورتر است اینکه ، تمامی قرآن به طور کامل به آسمان دنیا فرود آمد ، سپس به طور پراکنده در عرض بیست یا بیست و سه سال و یا بیست و پنج سال به پیغمبر(ص) نازل شد .

سیوطی بعد از ذکر این قول که خودش با آن موافقت نموده و تمایل نشان داده دو قول دیگر را به این صورت آورده است که :

قول دوم: این است که ، قرآن در بیست شب قدر یا بیست و سه شب قدر یا بیست و پنج شب قدر به آسمان دنیا نازل شد که هر مرتبه آنچه خداوند مقدر کرده است که در آن سال نازل شود فرود می آمد بعد کم کم به طور پراکنده ، در تمام سال وحی می شد. این قول را امام فخرالدین رازی به صورت یک تئوری ذکر کرده است .

قول سوم: اینکه ابتدای فرود آمدن قرآن در شب قدر بوده سپس به طور جداجدا در اوقات مختلف فرود آمده است ، شعبی این نظر را داشته است ( سیوطی ، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۵۵-۱۵۳) .

### مقایسه بین دیدگاههای علامه معرفت و سیوطی

بعد از بررسی پنج دیدگاه کلی علامه معرفت و همچنین جلال الدین سیوطی مشخص می گردد که از میان همه ی نظرات محققان اسلامی در مورد چگونگی نزول قرآن این نتیجه حاصل می شود که دو مورد از دیدگاهها دارای طرفداران بیشتری می باشند یعنی:

الف . آغاز نزول قرآن در شب قدرماه رمضان بوده نه اینکه همه ی قرآن در شب قدر نازل شده باشد .

ب. قرآن بصورت یکجا در یک شب (شب قدر) به بیت العزه یا بیت المعمور فرود آمد ، سپس در زمان ها و مناسبت هایی در طول بیست یا بیست و سه سال ( و به قولی یا بیست و پنج سال) به تدریج نازل گردید .

علامه معرفت رأی الف را انتخاب نموده در حالیکه جلال الدین سیوطی نظر ب را ترجیح داده و آنرا صحیحتر دانسته است و هر یک برای اثبات رأی خود به روایات و اقوالی، استناد جسته اند.

چون در این نوشتار بحث بر محوریت نظرات مرحوم معرفت و سیوطی می باشد با بررسی اجمالی دیدگاههای دوم، سوم و چهارم از دیدگاههای ۵ گانه علامه معرفت به سراغ دو دیدگاه کلی تر و پرتعداد می رویم که همان نظریات این دو محقق بزرگ جهان اسلام است.

### نقد و بررسی دیدگاه دوم:

طرفداران اینک در شب قدر هر سال، آن اندازه از قرآن که نیاز سال بود یکجا بر پیامبر(ص) نازل می شد سپس همان آیات تدریجاً در ضمن سال، برحسب مناسبت ها و پیش آمدها نازل می شده است. این نظر را به ابن جریر (متوفای ۱۵۰) نسبت داده اند و برخی دیگر از دانشمندان نیز با آن موافق هستند. سیوطی این رأی را در قول دوم خودش در اتقان آورده و گفته است که:

قرآن کریم در بیست شب قدر یا بیست و سه شب قدر یا بیست و پنج شب قدر به آسمان دنیا نازل شد که هر مرتبه آنچه که خداوند مقدر کرده است که در آن سال نازل شود فرود می آمد سپس کم کم بطور پراکنده در تمام سال وحی می شد. این قول را امام فخرالدین رازی بصورت یک تئوری ذکر کرده و گفته است: احتمال می رود که قرآن در هر شب قدری آنچه مردم تا شب قدر سال دیگر به آن نیاز داشته اند از لوح محفوظ به آسمان دنیا منتقل می شده است.

ابن کثیر گفته: «این سخن را که رازی به عنوان احتمال ذکر کرده، قرطبی از مقال بن حیان نقل نموده و حکایت اجماع کرده بر اینکه قرآن به طور کامل از لوح محفوظ به بیت العزه در آسمان نازل گردیده است. آنگاه سیوطی می گوید که: «از کسانی که قول مقاتل را گرفته اند حلیمی و ماوردی می باشند. گفته ی ابن شهاب که آخرین عهد قرآن به عرش آیه ی قرض است، موافق این قول است.

علامه معرفت در مورد دیدگاه دوم می گوید: ابن جریر و سدی همین را انتخاب کرده اند. سپس از قول سیوطی در اتقان آورده است که: قرطبی آن را از مقاتل بن حیان نقل کرده است و حلیمی، ماوردی و جز این ها با او موافقت نموده اند. علامه معرفت سپس در رد این نظریه می گوید: «لیک ظاهر سخن خدای تعالی "أنزل فیه" و نیز "أنزلناه" که حکایت از رویدادی گذشته دارد، مخالف این دیدگاه است. هر چند اگر این نظریه صحیح بود، مناسب آن بود که بفرماید: «نزله: نازل کردیم» که زمان حال را توصیف نماید. علامه در ادامه می گوید: فایده ای که از نزول قرآن پیش از نیاز به آن انتظار می رود چیست؟

به ویژه صیغه ماضی یا حال که بر نزول آن در مناسبتی ویژه همان زمان دلالت دارد و نزول آن پیش از آن وقت، بر اساس تعبیر لفظی، جایی ندارد (معرفت، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۶۴).

جلال الدین سیوطی نیز این قول را فقط به عنوان یک نظر آورده است و تمایلی به این رأی نداشته است.

### نقد و بررسی دیدگاه سوم:

طرفداران اینک: مقصود از «أنزل فیه القرآن» این است که: «أنزل صومه فی القرآن».

ضحاک بن مزاحم (متوفای ۱۰۶) می گوید: «انزل صومه فی القرآن» یعنی روزه ی آن در قرآن نازل گردیده است (سیوطی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۱۹۰).

علامه معرفت در رد این نظر می گوید: «البته این احتمال با آیه ی «شهر رمضان الذی أنزل فیه القرآن» (بقره/۱۸۵) ممکن است سازگار باشد، اما با آیات سوره ی دخان و قدر سازگار نمی باشد. ولی جلال الدین سیوطی هیچ اشاره ای به این رأی نداشته و آن را به عنوان یک قول مستقل نیاورده است.

دیدگاه گروه سوم به صورتی دیگر نیز آمده است: طرفداران اینک، مقصود از «أنزل فیه القرآن» این است که «أنزل فی فضله القرآن». سفیان بن عیینه (متوفای ۱۹۸) می گوید: «معنی الیه: أنزل فی فضله القرآن» یعنی در فضیلت آن قرآن نازل شده است (فخر رازی، بی تا، ج ۵: ۸۵). حسین بن فضل و ابن انباری نیز همین را برگزیده اند (معرفت، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۶۴).

علامه معرفت در رد این نظر می گوید: «لیک این وجه، ویژه ی آیه ی موجود در سوره بقره است و در دو آیه ی موجود در سوره ی دخان و قدر جاری نمی گردد، چنان که پوشیده نیست افزون بر آن، این وجه، تأویلی در لفظ آیه بی هیچ مجوز و مستندی است البته سیوطی این رأی را نیز به عنوان یک دیدگاه مستقل نیاورده است (همان، ۱۶۸).

### نقد و بررسی دیدگاه چهارم:

طرفداران این نظر که: بیشتر آیات قرآن در ماه مبارک رمضان نازل شده است. این نظر یکی از احتمالاتی است که سید قطب آنرا بصورت احتمال آورده است. سید قطب می‌گوید: «ماه رمضان که قرآن در آن نازل شده است یا بدین معنا است که آغاز نزول آن در رمضان بود و یا اینکه بیشتر آن در ماههای رمضان نزول یافته است» (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۲: ۲۴۵).

علامه معرفت در رد این احتمال مطرح شده از سوی قطب می‌گوید که هیچ نشانه‌ای برای اثبات این نظر در دست نیست به علاوه این نظر مخصوص آیه‌ی سوره‌ی بقره است و شامل دو سوره قدر و دخان که می‌گوید ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم، نمی‌شود. سیوطی نیز همانند دیدگاه دوم و سوم در مورد این دیدگاه نیز سخنی به میان نیاورده است.

### بررسی دو دیدگاه کلی تر و پرتطرفدارتر:

بعد از آوردن دیدگاههای دوم و سوم و چهارم اکنون به سراغ دو دیدگاه کلی تر و پرتطرفدارتر رفته و در ابتدای دیدگاه اول را بررسی کرده و بعد از نقل و تحلیل آن به دیدگاه پنجم می‌پردازیم.

از جمله دانشمندانی که به طرفداری از دیدگاه اول معتقد است که منظور از نزول قرآن در شب قدر ماه رمضان این است که آغاز نزول قرآن در شب قدر ماه رمضان آغاز شده است (نه اینکه همه‌ی قرآن در شب قدر نازل شده باشد) دانشمند بزرگ و نامی شیعه، شیخ مفید است. شیخ مفید در رد گفتار شیخ صدوق که برای قرآن دو نزول دفعی و تدریجی فرض کرده است می‌گوید: «منشأ آنچه شیخ ابوجعفر صدوق برگزیده، خبر واحدی است که نه موجب علم می‌شود تا آنرا باور کرد و نه موجب عمل می‌گردد تا آنرا پذیرفت به علاوه نزول قرآن در حالات گوناگون و در مناسبت‌های مختلف که اسباب نزول خوانده می‌شود خود شاهده‌ی است بر نپذیرفتن ظاهر آن خبر، زیرا قرآن درباره‌ی جریاناتی سخن می‌گوید که پیش از حدوث آن مفهومی ندارد و نمی‌تواند حقیقت باشد، جز اینکه همان موقع نازل شده باشد. مثلاً قرآن از گفته‌ی منافقین خبر می‌دهد: «و قالوا قلوبنا غلف بل لعنهم الله بکفرهم فقلیلاً ما یؤمنون» (بقره/۸۸) و یا گفتار مشرکان را نقل می‌کند «و قالوا لو شاء الرحمن ماعبدنا هم ما لهم بذلک من علم» (زخرف/۲۰). اینگونه خبرها از گذشته است، نمی‌شود پیش از زمان وقوع صادر شود. در قرآن نظایر چنین اخبار فراوان است (مفید، ۱۳۷۱: ۵۸۷).

شیخ مفید همچنین در پایان سخنانش در رد دیدگاه شیخ صدوق آورده است که ممکن است روایتی که نزول تمامی قرآن را در شب قدر می‌داند، به معنی نزول بخششی از آن در شب قدر باشد، و سپس، آن چه تا رحلت پیامبر (ص) نازل شد، در پی آن آمده است. و اما این که تمامی قرآن در شب قدر فرود آمده باشد، از آن چه ظاهر قرآن اقتضا دارد و نیز از روایات متواتر و اتفاق نظر عالمان با وجود اختلاف دیدگاههای آنان بعید به نظر می‌رسد (مفید، ۱۳۷۱: ۵۸).

سید مرتضی علم الهدی نیز در رد گفتار شیخ صدوق که برای قرآن دو نزول دفعی و تدریجی فرض کرده می‌گوید: «اگر شیخ ابوجعفر صدوق در اینکه قرآن یکجا نازل شده است بر روایات تکیه کرده باشد، آنها نه موجب علم اند و نه مایه‌ی یقین. و در مقابل آنها روایات بسیاری است که خلاف آنرا ثابت می‌کند و قرآن را نازل شده در مناسبت‌های مختلف می‌داند. برخی در مکه و برخی در مدینه و احیاناً حضرت رسول در پیش آمدهایی منتظر می‌ماند تا آیه یا آیاتی نازل شود، این قبیل آیات در قرآن بسیار است. به علاوه خود قرآن صریحاً دلالت دارد که به طور پراکنده نازل شده است: «و قال الذین کفروا لو لا نزل علیه القرآن جملةً واحدةً کذلک لثبیت به فؤادک و رتلناه ترتیلاً» (فرقان/۳۲) و آیه‌ی «کذلک لثبیت...» نشان می‌دهد که قرآن به طور پراکنده نازل شده است تا موجب استواری قلب پیامبر (ص) گردد» (وسائل مرتضی ص ۴۰۵-۴۰۵ مجموعه ۱ جواب مسائل طرابلسیات).

سیوطی این رأی را که منظور از نزول قرآن در شب قدر، آغاز نزول است را بدون اینکه آن را تأیید کند در ضمن قول سوم کتاب اتقان آورده است. سیوطی می‌گوید: «قول سوم، اینکه ابتدای فرود آمدن قرآن در شب قدر بوده سپس بطور جداجدادر اوقات مختلف فرود آمده است. شعبی این نظر را داشته است» (معرفت، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۶۲) این دیدگاه انتخاب محمد بن اسحاق و شعبی است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۲۷۶).

امام فخر رازی می‌گوید: «دلیل آن، این است که سرآغاز پیدایش ملتها و دولتها، تاریخ گذاری می‌گردد، چرا که بهترین زمانهاست، علاوه بر این که زمانهایی ثبت شده و مشخص می‌باشند» (معرفت، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۶۲). طبرسی این قول را به ابن اسحق نسبت می‌دهد و می‌گوید: «وقیل أن الله تعالی ابتداءً أنزله فی لیلة القدر من شهر رمضان عن ابن اسحق» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۴۹۸).

زمخشری در کشف نیز آیه را همین گونه تفسیر کرده و می‌گوید: «ومعنی أنزل فی القرآن إبتداءً فیہ انزاله و کان ذلک فی لیلة القدر» (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۲۲۷)، یعنی نازل کردن آن در شب قدر بوده است.

علامه معرفت در تأیید این دیدگاه که منظور از نزول قرآن در شب قدر را آغاز نزول قرآن در شب قدر می‌داند نه نزول همه‌ی قرآن می‌گوید: «دیدگاه ما نیز همین است، چرا که هر رویداد مهمی، هرگاه مدت و امتدادی زمانی داشته باشد، آغاز شروع آن، در تاریخ ثبت می‌گردد، چنان

که اگر از تاریخ دولت یا مؤسسه یا تشکیلاتی حزبی، یا از تاریخ تحصیل دانشجویی یا کار ویژه ای و مانند آن پرسیده شود، پاسخ آن، مشخص کردن مبدأ شروع یا تأسیس است و نه چیزی دیگر.

همچنین این سخن خداوند: «**انزل فیہ القرآن** : قرآن در آن نازل شد» (بقره/۸۵) و آیات دیگر، خبر از رویدادی گذشته می دهند که خود این سخن حکایت کننده را شامل نمی شود و گرنه به صورت مضارع یا وصف می رآمد. پس این سخن خود دلیل بر این است که بخشی از قرآن، پس از شب قدر نازل شده است، مگر آنکه به شکلی توجیه گردد که البته مستندی ندارد» (معرفت، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۶۳). علامه در ادامه می گوید: «همچنین گوناگونی مناسبت آیات به فراخور اوضاع و شرایط، بزرگترین دلیل بر اختلاف جایگاههای نزول آن ها است، زیرا این موارد، هر آیه را به رویدادی مرتبط می سازد و مقید به زمان خود می کند.

این موضوع، در مورد هر آیه ای است که در شأن حادثه یا اتفاقی رخ داده در زمانی خاص، نازل گشته و آیه آمده است تا در همان زمان حادثه یاد شده را بررسی نماید. تمامی اینها دلیل بر آن است که قرآن، یکجا نازل نشده است و گرنه جایی برای این سخن مشرکان نبود: «**لو لا نزل علیہ القرآن جملة واحدة** : چرا قرآن یکجا بر او نازل نگردید» (فرقان/۳۲).

خدای تعالی در رد این اعتراض فرمود: «**کذلک لنثبت به فؤادک ورتلنه ترتیلا**» این گونه " آن را به تدریج نازل کردیم" تا قلبت را با آن استوار گردانیم و آن را به آرامی " بر تو خواندیم» (همان/۳۲). یعنی نزول قرآن به طور پیوسته و در زمان هایی مناسب، آرامش دل تو را بیشتر تضمین می کند، چه، توجه پی در پی خداوند رادر هر زمان و مناسبتی احساس می کنی» (معرفت، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۶۳).

این شهر آشوب در مناقب نیز همین دیدگاه را پذیرفته است و می گوید: «ماه رمضان که قرآن در آن نازل شده یعنی نزول آن آغاز گردیده است» (ابن شهر آشوب، ج ۱: ۱۷۳). همچنین در مشابهاهات القرآن می گوید: «سخن استوار آن است «القرآن» در اینجا، مفید عموم نیست، بلکه جنس را می فهماند، پس هر مقدار "از قرآن" که در آن نازل شده باشد، با ظاهر آیه مطابقت کرده است» (همان: ۶۳).

### طرفداران نزول دفعی و تدریجی قرآن کریم

علیرغم جانبداری علامه معرفت و گروهی از محققین و دانشمندان اسلامی از دیدگاه اول، گروه کثیری از دانشمندان از جمله جلال الدین سیوطی دیدگاه پنجم را برگزیده اند. طرفداران دیدگاه پنجم معتقدند که قرآن در شب قدر به صورت یکباره و دفعی نازل گردیده و سپس در طول مدت رسالت پیامبر (ص) به تدریج و با فاصله نازل گشته است. هریک از این دانشمندان این نزول دفعی و یکباره را به نحوی بیان و توجیه نموده اند که به عقیده علامه معرفت، نظرات این دانشمندان توجیهاتی است که بیشتر جنبه ی تأویل احادیث آورده شده را دارد. حال به بررسی و تحلیل نظرات چند تن از دانشمندان اسلامی که طرفدار دیدگاه پنجم هستند می پردازیم.

### بررسی دیدگاه پنجم

در بعضی روایات شیعه آمده است که قرآن از عرش بر آسمان چهارم فرود آمد و در بیت معمور نهاده شد. شیخ صدوق آن را جزء عقاید امامیه دانسته است: «**نزل القرآن فی شهر رمضان فی لیلۃ القدر جملة واحدة فی مدّة عشرين سنة و ان الله عزوجل أعطی نبیہ العلم جملة**: قرآن در ماه رمضان و در شب قدر، به صورت یکجا بر بیت معمور در آسمان چهارم فرود آمد، آن گاه در مدت بیست سال از بیت معمور نازل گردید، و در حقیقت خداوند، علم را یکجا بر پیامبرش عطا کرد» (مفید، ۱۳۷۱: ۱۰۱) و در ادامه آورده که سپس به او فرمود: «**و لا تعجل بالقرآن من قبل ان یقضی الیک وحیه** : و در خواندن قرآن، پیش از آن که وحی آن بر تو پایان یابد، شتاب مکن» (طه/۱۱۴). از نظر شیخ صدوق و گروهی دیگر مقصود از نزول دفعی قرآن بر پیامبر (ص) در شب قدر، آگاهی دادن پیامبر (ص) به محتوای کلی قرآن است. این تأویل در کلام شیخ صدوق آمده است. او می گوید: «**ان الله أعطی نبیہ العلم جملة**» یعنی قرآن با بیان الفاظ و عبارات در آن شب بر پیامبر (ص) نازل نشده است، بلکه صرفاً علم به آن را به او عطا کردند و پیامبر (ص) اجمالاً بر محتوای قرآن آگاهی یافت.

نظر نویسنده پژوهش این است که با وجود اینکه شیخ صدوق بر نزول دفعی و یکباره ی قرآن رأی داده و آن را از عقاید امامیه دانسته اغست ولی با این حال حتی بعضی از شاگردان خودش مانند شیخ مفید و سید مرتضی دیدگاه ایشان وی را نپذیرفته اند و نظرات این دو شاگرد در مخالفت با استادشان ضمن بررسی دیدگاه اول از نظر گذشت. دانشمندان اهل سنت معمولاً برای اثبات دیدگاه پنجم مبنی بر نزول دفعی و یکباره ی قرآن به احادیثی از ابن عباس استناد جسته اند.

مرحوم معرفت به نقل از سیوطی در اتقان روایتی نقل کرده است از ابن عباس به این مضمون که: «**انزل القرآن لیلۃ القدر جملة الواحدة إلی السماء الدنيا و وضع فی بیت العزّه ثم انزل نجومأ علی النبی (ص) فی عشرين سنة**» یعنی قرآن یکجا از عرش بر آسمان اول نازل گردید، آن گاه در جایگاهی به نام بیت العزّه به ودیعت نهاده شد (سیوطی: ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۵۶).

### دیدگاه سیوطی در چگونگی نزول قرآن

جلال الدین سیوطی می‌گوید: «در چگونگی نزول قرآن از لوح محفوظ به سه قول اختلاف شده است:

قول اول: که صحیحتر و مشهورتر است اینکه تمامی قرآن به طور کامل به آسمان دنیا فرود آمد. سپس بطور پراکنده در عرض بیست سال یا بیست و سه سال و یا بیست و پنج سال بر پیامبر(ص) نازل شد بنابراین اختلافی که در مدت اقامت حضرت رسول(ص) در مکه پس از بعثت هست. جلال الدین سیوطی برای اثبات برتری این نظریه به روایاتی اشاره کرده است. از جمله آورده است که حاکم و بیهقی و غیر از او از طریق منصور از سعید بن جبیر از ابن عباس روایت کرده اند که گفت: «قرآن شب قدر به طور کامل به آسمان دنیا فرود آمد و آن در جایگاههای ستارگان بود، آنگاه خداوند هر قسمتی را پس از قسمت دیگر بر پیامبر(ص) نازل می‌کرد.

حاکم و بیهقی و نسائی از طریق داوود بن هند از عکرمه از ابن عباس روایت کرده اند که گفت: قرآن در یک شب (شب قدر) به آسمان دنیا فرود آمد سپس به مدت بیست سال نازل گشت. آنگاه ابن عباس این دو آیه را خواند: «**وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَن تَفْسِيرًا**» (فرقان/۳۳) و «**وَقَرَأْنَا فَرَقَانَهُ لِنَتْلُوهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مَكِّثٍ وَنُزِّلْنَاهُ تَنْزِيلًا**» (اسراء/۱۰۶). حاکم و ابن ابی شیبه از طریق حسان بن حریش از سعید بن جبیر از ابن عباس روایت کرده اند که گفت قرآن از ذکر جدا شده پس در بیت العزه آسمان دنیا نهاده شده پس جبرئیل آنرا بتدریج بر پیغمبر(ص) فرود می‌آورد.

سیوطی در پایان این حدیث گفته است که: سند تمام این روایات صحیح است. سیوطی همچنین در اثبات این رأی خود از طبرانی، بزاز و ابن ابی شیبه روایات دیگری به نقل از ابن عباس آورده و در پایان سخنانش در تأیید این رأی که آن را رأی صحیحتر و مشهورتر نامیده روایاتی آورده با این مضمون که: حکیم ترمذی گفته است که قرآن یکجا به آسمان دنیا فرود آمد تا آنچه خداوند با برانگیختن پیغمبر(ص) برای این امت قسمت کرده بود به آنها تسلیم کند زیرا که بعثت آن حضرت رحمت بود، و چون درب رحمت گشوده شد محمد(ص) قرآن را آورده پس قرآن در بیت العزه در آسمان دنیا گذاشته شد تا به مرز دنیا وارد گشته باشد و نبوت در دل محمد(ص) نهاده شد و جبرئیل رسالت و سپس وحی را فرود آورد، انگار که خداوند می‌خواست این رحمت را که قسمت این امت بود، از سوی خود به این امت تسلیم نماید (سیوطی، ۱۳۸۹: ۱۵۶).

سخاوی در جمال القراء می‌گوید: یکجا فرود آمدن قرآن به آسمان دنیا، تکریم و گرامی داشتن بنی آدم و تعظیم مقام آنها نزد ملائکه است، و اینکه به آنها عنایت خداوند متعال و رحمت او به بنی آدم تفهیم گردد، به همین خاطر هم هفتاد هزار فرشته را امر نمود تا سوره الانعام را مشایعت کنند و بر اهمیت قرآن افزود که جبرئیل را فرمود تا بر سفرای گرامی آنرا دیکته کنند و از آن نسخه بگیرند و تلاوتش کنند. آنگاه می‌گوید و در این کار مساوی قرار دان حضرت محمد (ص) با حضرت موسی (ع) در اینکه کتاب او را هم یکجا نازل فرمود و فزونی مقام حضرت محمد(ص) در اینکه: کتابش تدریجاً نازل شد تا آنرا حفظ کند (همان: ۱۵۷).

طبری به اسناد خود از واثله بن اسقع، از پیامبر(ص) روایت کرده که فرموده: «صحف ابراهیم در نخستین شب ماه رمضان نازل شده، تورات در ششمین روز رمضان، انجیل در سیزدهم رمضان و قرآن کریم در بیست و چهارم رمضان نازل گردید (طبری، ۱۳۷۲: ج ۲: ۸۴). طبری می‌نویسد: قرآن، وقتی بر رسول خدا(ص) نازل شد که هیجده شب از ماه رمضان گذشته بود. بنابراین آغاز نزول قرآن، شب نوزدهم ماه رمضان می‌باشد (تاریخ طبری، بی تا ج ۲: ۳۰).

دکتر حجتی دانشمند معاصر می‌گوید: «ولی طبق آراء اکثر محققان شیعه، شب قدر در یکی از شب‌های دهه ی آخر ماه رمضان قرار دارد که به ظن قوی و شهادت روایات فراوان، باید شب بیست و سوم ماه رمضان را شب قدر دانست، و باید گفت که آغاز نزول قرآن کریم در همین شب بوده است» (حجتی، ۱۳۸۶: ۴۰). دانشمندان اسلامی طرفدار این نظریه هر کدام در تأیید نظراتشان بیاناتی ابراز داشته اند.

علامه مجلسی می‌گوید: «آیات، بر نزول قرآن، در شب قدر دلالت دارند، و ظاهر این است که همه ی قرآن در آن شب نازل شده و آثار و اخبار بر نزول قرآن در مدت بیست (کلینی، ۱۴۰۱: ج ۲: ۶۲۹) یا بیست و سه سال دلالت دارند. در برخی روایات چنین آمده که: قرآن در نخستین شب ماه رمضان نازل شد (همان، ج ۴: ۶۶). و برخی دیگر دلالت دارند که آغاز نزول آن در مبعث بود (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۲: ۳۹).

جمع بین آنها چنین است که در شب قدر، همه ی قرآن از لوح محفوظ به آسمان چهارم (بیت معمور) نازل شد تا از آسمان چهارم به طور تدریجی، به زمین فرود آید. و در نخستین شب از ماه رمضان، همه ی قرآن بر پیامبر(ص) نازل گشت تا او خود بداند، نه آن که بر مردم تلاوت کند، آن گاه نزول آن به صورت آیه آیه و سوره سوره در مبعث یا غیر آن آغاز گردید تا بر مردم تلاوت کند (همان، ج ۱۸: ۲۵۴-۲۵۳).

فیض کاشانی می‌گوید: «گویا مراد نزول، معنای قرآن بر دل پیامبر (ص) است، چنان که خدای تعالی فرمود: «نزل به الروح الامین علی قلبک: روح الامین آن را بر تو نازل کرد» (شعراء/۱۹۴-۱۹۳). آن گاه در مدت بیست سال به طور جداگانه از درون دل حضرت بر ظاهر زبانش جاری گشت، هر زمان که جبرئیل وحی را نزد اومی آورد و با الفاظ آن بر او فرما می‌خواند» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ج ۱: ۴۲).

### طرفداران نزول دفعی و تدریجی (نظرات شیعه)

فیض کاشانی بیت المعمور را قلب پیامبر(ص) دانسته است؛ زیرا قلب آن بزرگوار خانه معمور خداست که در آسمان چهارم جهان ماده قرار دارد. پیامبر(ص) مراتب جماد و نبات و حیوان را پشت سر گذاشته و به اوج مرتبه ی چهارم یعنی جهان انسانیت نایل گشته است. آنگاه قرآن در مدت بیست سال از قلب پیامبر(ص) به لسان شریفش، هرگاه که جبرئیل مقداری از آنرا نازل می‌کرد، جریان می‌یافت (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۶)

نقد علامه معرفت

علامه معرفت در رد این نظرمی گوید: «این تفسیر هم مشکلی را حل نمی‌کند؛ زیرا چنین توجیهی بیانگر دو نوع نزول نخواهد بود، تنها آگاهی‌های کلی و محتوایی را نشان می‌دهد. در جای دیگر شیخ ابوعبدالله زنجانی می‌گوید: «ممکن است بگوییم روح قرآن که همان اهداف کلی مورد نظر است، در آن شب بر قلب شریف حضرت تجلی نمود «نزل به روح الامین علی قلبک» (شعراء/۱۹۴-۱۹۳) آن گاه در طول بیست سال به طور جداگانه، بر زبان حضرت آشکار گشت: «و قرآناً فرقناه لتقرأه علی الناس علی مکث و نزلناه تنزیلاً» و قرآنی "باعظمت" را بخش بخش نازل کردیم تا آن را به آرامی بر مردم بخوانی، و آن را به تدریج نازل کردیم (معرفت، ۱۳۸۷: ۶۱).

نظر علامه طباطبائی: همان تأویل ابوعبدالله زنجانی را به نحوی دیگر بیان نموده و فرموده است: «اساساً قرآن دارای وجود و حقیقتی دیگر است که در پس پرده وجود ظاهری خود پنهان و از دید و درک معمولی به دور است. قرآن در وجود باطنی خود از هرگونه تجزیه و تحلیل عاری است. نه جزء دارد و نه فصل و نه آیه و نه سوره بلکه یک وحدت حقیقی بهم پیوسته و مستحکمی است که در جایگاه بلند خود استوار و از دسترس همگان به دور است.

«کتاب حکمت آیاتہ ثم فصلت من لدن حکیم خبیر: کتابی است که آیتش استحکام یافته؛ سپس از جانب حکیمی آگاه به روشنی بیان شده است» (هود/۱)؛ «و انه فی ام الكتاب لعلی حکیم: و آن را در ام الكتاب "لوح محفوظ" نزد ما بلندپایه و استوار است» (زخرف/۴)؛ «انه لقرآن کریم فی کتاب مکنون لا یمسه الا المطهرون: آن قرآن گرمی در کتاب محفوظی "سربسته و پنهان" جای دارد و جز پاکان نمی‌توانند به آن دست زنند» (واقعه/۷۹-۷۷)؛ «و لقد جئنا هم بکتاب فصلناه علی علم: در حقیقت، ما کتابی برای آنان آوردیم که "اسرار و رموز" آنرا با آگاهی شرح دادیم..» (اعراف/۵۲).

پس قرآن دارای دو وجود است: ظاهری در قالب الفاظ و عبارات و باطنی در جایگاه اصلی خود. لذا قرآن در شب قدر با همان وجود باطنی و اصلی خود که دارای حقیقت واحدی است یکجا بر قلب پیامبر اکرم (ص) فرود آمد. سپس تدریجاً با وجود تفصیلی و ظاهری خود در فاصله‌های زمانی و در مناسبت‌های مختلف و پیش آمدهای گوناگون در مدت نبوت نازل گردید (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۱۶-۱۵).

علامه معرفت می‌گوید: اینگونه تأویلات از یک نوع لطافت و ظرافت برخوردار است که در صورت وجود مقتضی و داشتن سند اثباتی، می‌تواند کاملاً مناسب باشد. از طرف دیگر ظاهر آیات قرآن، به همین قرآن که در دست مردم است اشاره دارد و از قرآن دیگر و حقیقتی دیگر که پنهان از چشم همگان باشد سخن نمی‌گوید.

خداوند برای ابراز عظمت این ماه (رمضان) و این شب (لیله القدر) مسئله نزول قرآن را در آن مطرح می‌سازد. و باید این مطلب قابل فهم و درک شنوندگان باشد، و از قرآن سخن بگوید که مورد شناسایی مردم بوده است. به علاوه خبر دادن از نزول قرآن (قرآن باطنی) از جایگاه بلندتر به جایگاه پایینتر که هر دو از دسترس مردم و حتی پیامبر اکرم (ص) به دور است، چه فایده‌ای می‌تواند داشته باشد تا با این آیهت و عظمت از آن یاد کند. بنابراین این گونه تأویلات زمانی مناسب است که اصل موضوع ثابت شده باشد. اگر بخواهیم آیات مذکور را تفسیر کنیم اینگونه تأویلات چاره ساز نیست و آیات یاد شده شروع فرو آمدن قرآن را یادآور می‌شود.

ولی علیرغم توجیهاات جلال الدین سیوطی و دانشمندان دیگر برای اثبات نزول دفعی قرآن محققان دیگر این نظر را نپذیرفته اند و آن را رد کرده اند. مرحوم معرفت در رد این نظریه سیوطی سوالاتی را مطرح کرده است از جمله:

حکمت و مصلحت نزول قرآن از عرش به آسمان اول یا چهارم و قرار دادن آن در بیت العزه یا بیت المعمور چیست؟ چه حکمتی در نقل مکان نهفته است؟ به علاوه این نزول چه سودی برای مردم یا پیامبر(ص) دارد که خداوند آنرا با عظمت یاد می‌کند؟

آنچه از قرآن خواندنی است همان آیات و سوره و معانی و مفاهیم راهگشاست. آیا آمدن آن در شب قدر در آسمان اول یا چهارم کسب فضیلتی است و توفیقی برای مردم ایجاد می‌کند؟ (معرفت، ۱۳۸۷: ۶۱-۶۰)

فخر رازی در جواب این گونه پرسش‌ها گفته است: «شاید تسهیل امر مورد نظر بوده است تا در موقع نیاز به نزول آیه یا سوره، جبرئیل بتواند فوراً از نزدیکترین جا، آیه ی مورد نیاز را بر پیامبر(ص) فرود آورد» (فخر رازی، ج ۵: ۸۵). معرفت در رد جواب فخر رازی گفته که: «ولی این جواب متناسب با مقام علمی فخر رازی نیست؛ زیرا در ملاأعلی (ماوراء الطبیعه) قرب و بعد مکانی وجود ندارد (همان).





در مقابل سیوطی و دانشمندانی که طرفدار نظریه ی نزول دفعی قرآن کریم هستند برای اینگونه سوالات مخالفین پاسخ هایی داده اند از جمله :

سیوطی در اتقان می گوید: « گفته شده سرّ فرود آمدن قرآن به طور کامل به آسمان دنیا برای تعظیم و اهمّیت دادن به شأن قرآن و اهمّیت دادن به کسی که بر او فرود می آید بوده است ، به توضیح اینکه : به ساکنان آسمان ها ی هفتگانه اعلام شود که این آخرین کتاب های آسمانی است که بر خاتم پیامبران برای شریفترین امت ها نازل می شود و ما که آن را به آنها نزدیک کرده ایم برای این است که بر آنها فروبفرستیم و اگر حکمت الهی مقتضی این نبود که به تدریج نازل شود بر اثر وقایع مختلف آن را یکجا به زمین فرود می آورد ، مانند سایر کتاب های آسمانی که قبل از قرآن نازل شده اند ولی خداوند متعال میان این کتاب ها فرق و تفاوت گذاشت ، پس هردو جهت را در مورد قرآن قرار داد : هم یکجا نازلش کرد و هم پس از آن متفرق فرود آورد به جهت شرافت بخشیدن به کسی که قرآن بر او نازل می شود . این مطلب را ابوشامه در المرشد الوجیز متذکر شده است ( سیوطی ، ۱۳۸۹، ج: ۱، ۱۵۵) سیوطی سپس روایات مختلفی در اثبات این رأی خود آورده است .

### نتیجه گیری

در پایان این نوشتار لازم است گفته شود آثار فرمان عدم کتابت احادیث پیامبر(ص) در دهه های صدر اسلام در اینجا به خوبی نمایان است و اگر موضوع فرمان ننوشتن احادیث پیامبر(ص) نبود چه بسا از طریق احادیث وارده از شخص پیامبر(ص) چگونگی نزول قرآن به طور دقیق بر ما مشخص می گردید ؛ ضمن اینکه ضعف اسناد و اعتبار بعضی از روایات کتب حدیثی و روایی شیعه و بعضاً تناقض آراء در آن ها موجب گردیده تا از منبع بی پایان علم الهی ائمه اهل بیت (ع) و فرمایشات ایشان در امور گوناگون خصوصاً علوم قرآنی در موارد زیادی بی بهره بمانیم و آنچه مسلم است اینکه اگر بیانات پرگهر ائمه اطهار (ع) به طور صحیح به ما می رسید ما در این گونه موارد این گونه دچار تناقض و اختلاف آراء نمی شدیم بنا بر حدیث معروف پیامبر اکرم (ص) « **انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی**» (خوئی ، ۱۳۸۸: ۶۴۸) .

### منابع

#### قرآن کریم

- ابن شهر آشوب ، ابوجعفر رشید الدین ، مناقب آل ابی طالب ، قم: علامه، بی تا.
- ابن شهر آشوب ، مشابه القرآن و مختلفه، تهران : شرکت سهامی طبع کتاب ، ۱۳۲۸.
- حجتی ، سید محمدباقر، تاریخ قرآن کریم ، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی ، ۱۳۸۶.
- خویی ، سید ابوالقاسم ، البیان ، ترجمه محمد صادق نجمی ، تهران: سازمان چاپ و انتشارات ، ۱۳۸۸.
- زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل ، بیروت: دارالکتب العربی، چاپ سوم ، ۱۴۰۷ق.
- سید قطب ، فی ظلال القرآن، بیروت : دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ق.
- سیوطی ، جلال الدین. الاتقان فی علوم القرآن .چاپ هفتم .تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۹.
- سیوطی ، جلال الدین(۱۴۰۴ق) . الدر المنثور فی تفسیر المأثور. قم : کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی.
- طباطبایی ، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن ، چاپ پنجم، قم: جامعه ی مدرسین حوزه ی علمیه قم ، ۱۴۱۷ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن ، چاپ سوم، تهران: ناصرخسرو، ۱۳۷۲.
- طبری ، محمد بن جریر ، تاریخ طبری ، مصر: دارالمعارف، بی تا.
- علم الهدی، علی بن حسین ، رساله در غیبه، تهران : مطبع شیخ احمد شیرازی، ۱۳۱۹ق.
- فخر رازی ، ابوعبدالله . تفسیر کبیر، قاهره: ۱۴۱۲ق.
- فیض کاشانی ، ملا محسن ، تفسیر صافی ، چاپ دوم ، تهران : الصدر ، ۱۴۱۵.
- کلینی، محمد بن یعقوب ، الکافی ، تحقیق علی اکبر غفاری ، چاپ چهارم ، بیروت : دار التعارف، ۱۴۰۱.
- مجلسی ، محمد باقر ، بحارالانوار ، چاپ دوم ، بیروت : مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق .
- معرفت ، محمد هادی ، التمهید فی علوم القرآن ، مترجم جواد ایروانی ، قم : تمهید ، ۱۳۸۸
- ، تاریخ قرآن ، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی ، ۱۳۷۵.
- ، علوم قرآنی ، قم : مؤسسه فرهنگی تمهید ، ۱۳۸۷.
- مفید، محمد بن محمد ، تصحیح الاعتقاد ، چاپ دوم ، قم: الموترالعالمی لالیفه الشیخ المفید، ۱۳۷۱.



## Quran in Views allameh maarefat and suoti Fall

### Abstract

Quran on the night of Ramadan undoubtedly great blessing from Allah Almighty Bashdast . Alnbyyn this divine gift by the Seal of Prophet Muhammad ( PBUH) was sent down to mankind Yet despite the gradual revelation of the Holy Quran in mission of the Prophet ( PBUH) in front of verses Yet despite the gradual revelation of the Holy Quran in mission of the from the Holy Quran have indicated Prophet ( PBUH) in front of verses from the Holy Quran have indicated This has led to differences in how the revelation of the Holy Quran Therefore, every Muslim scholars who have discussed To answer this question Why , though the Qur'an was revealed over the years and gradually God 's revelation of verses from the Koran it is unique to the night In this article we have tried to approach content library with the use of various software with an emphasis on qualitative methods of collecting And to study the issue and bring the views of scientists, experts in the field , deeper analysis about comments Vara' two research scientist Allama Jalaluddin Suyuti the scholars of Sunni and Shia scholar Allama maarefat .  
aKeywords: the Quran , the beginning of fall , night , Ramadan